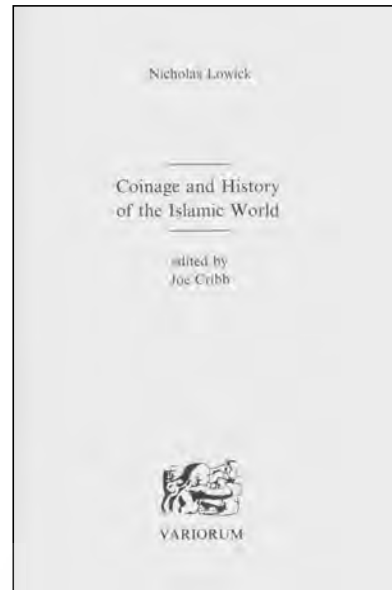


سکه مشترک همایون و شاه طهماسب

ضرب قندهار*

○ نیکلاس لویک

○ ترجمه: مولود شادکام



تھماسب و در روی دیگر نام و القاب همایون مشاهده می‌شد. در هر دو سوی سکه شعار «علی ولی الله» در بالای عنوان شاهی دیده می‌شود و این دلیل اعتقاد هر دو نفر به مذهب تشیع است. قطر سکه ۱۴ میلیمتر، وزن ۱/۹۲ گرم است.

طی دوازده ماه (شوال ۹۵۰ تا شوال ۹۵۱ هجری / دسامبر ۱۵۴۳ تا دسامبر ۱۵۴۴ میلادی) که همایون، امپراطور مغولی هند توسط برادرش کامران از سلطنت عزل شد و به ایران و دربار شاه طهماسب پناه جست و اندکی بعد به کمک ایرانیان، بار دیگر تاج و تخت را به دست آورد، از موضوعات استثنایی در تاریخ مغولی هند است. همایون در این مدت در واقع اسیر شاه ایران بود و شاه ضمن احترامات سلطنتی و پذیرایی در کاخ او را زیر فشار می‌گذاشت که مذهب دوازده امامی را قبول کند. همایون نیز نهایتاً به این خواسته تن داد. همایون در این موقعیت جواهرات بسیاری را به شاه هدیه کرد که از آن جمله الماس گران‌بهای موسوم به کوه نور بود. بی‌تردید این هدایا در کنار قبول مذهب شیعه دوازده امامی باعث شد که شاه دوازده هزار نیرو، وسایل نظامی، و پول نقد به میزان سی هزار تومان در اختیار همایون قرار دهد تا او بتواند سلطنت خود را به دست آورد. شاه ایران نیز آرزو داشت تا از این طریق استحکامات دژ قندهار را از افغانی‌ها پس بگیرد. قندهار در سال ۹۴۴ هجری / ۱۵۳۷-۸ میلادی توسط کامران از دست ایرانیان خارج شده بود.

فعالاً مدارک سکه‌شناسی که بدین دوره از زندگی همایون مربوط شود در اختیار نیست. در سال ۱۹۷۸ م. موزه بریتانیا سکه طلالی کوچکی را بدست آورد که فاقد مشخصات محل ضرب و تاریخ بود. در یک روی آن نام و عناوین شاه

پشت سکه
محمد
رسول الله [علی ولی الله
محمد همایون غازی
ضرب....

روی سکه
[محمد]
رسول الله [علی ولی الله
السلطان الاعظم
الحسینی
شاه طهماسب



از آنجائی که تاریخی روی سکه نیست و تنها کلمه ضرب ضرابخانه دیده می‌شود مشکل است در نبود مدارک چگونگی موضوع را دریافت. از نظر ابعاد، این سکه با سکه‌های طلای شاهان صفوی قابل مقایسه است. ولی از طرفی مشابه نمونه سکه‌های سلیمان میرزا، فرماندار نیمه مستقل یکی از خانواده‌های مغولی در بدخشان در شمال کوهستان هندوکش نیز می‌باشد. سکه مورد اشاره وزن بخصوصی دارد و چیزی است بین یک ربع و یا یک نیم اشرفی ایرانی که هفتاد و دو نخود می‌شود (۴/۶۶ گرم) و حتی سنگین‌تر از سکه‌های طلای بدخشان (که احتمالاً ربع اشرفی است). به نظر غیرمعمول است که همایون زمانی که هنوز در دربار ایران پناهنده بوده است سکه‌ای را ضرب کرده باشد. ضرابخانه در منطقه‌ای در افغانستان امروزی بوده که با مدارک تاریخی و سکه‌شناسی مطابقت دارد. در ارتباط با تاریخ ضرب باید زمانی بعد از شوال ۹۵۱ هـ و دسامبر ۱۵۴۴ م. بوده باشد. یعنی زمانی که همایون در مسیرش به سمت قندهار و تسخیر مجدد آن به شهر جام در غرب افغانستان رسیده بود. از نظر تئوری تاریخ ضرب می‌تواند زمانی قبل از مرگ همایون در ۹۶۳ هجری ۱۵۵۶ میلادی باشد زیرا او همواره مواظب بود که شاه را با رد رسمی مذهب تشیع نرنجانند.

خوشبختانه بسیاری از ابهامات مربوط به این سکه با کشف اخیر سکه نقره مشابهی - در موزه بریتانیا - برطرف شده است. در این سکه نام ضرابخانه قندهار و آخرین عدد تاریخ بخوبی دیده می‌شود و بازسازی آنرا می‌شود چنین^۲ (۹۵) دید. ترتیب جملات اندکی متفاوت است و شکل ارائه عناوین شاهی مشابه هم نیست. به هر حال هر دو سکه به اندازه کافی مشابه یکدیگر هستند. این جفت قالب سکه دارای جملاتی مشابه بوده و به مناسبت مشابهی تهیه شده‌اند. قطر سکه ۲۳ میلی‌متر و وزن ۲/۲۹ گرم می‌باشد.

پشت سکه

[محمد]

[رسول الله علی [ولی الله]

[باد] شاه غازی ضرب

[نا] صرالدین محمد قندهار [ار]

[همایون]

روی سکه

محمد

[رسول الله] علی ولی الله

[السلطان] الاعظم والخان [قان]...

الحسینی

شاه طهماسب

وزن این سکه تقریباً نصف یک تنگه شاهرخی است (۴/۶ گرم) از نوعی که توسط همایون در بسیاری از ضرابخانه‌هایش ضرب می‌کرد. احتمالاً به علت کمبود موجودی نقره در محل، به نظر می‌رسد که طی سلطنت او تنها نیم تنگه‌ها در قندهار ضرب شده باشد. سکه‌هایی با وزن مشابه نیز توسط شاه تهماسب در مشهد، هرات و دیگر مناطق ایران ضرب شده و در مجموع منعکس‌کننده به کارگیری سیستم پولی ایرانی نسبت به سیستم پولی مغولی است.

عناوین هر یک از دو فرمانروا شکی باقی نمی‌گذارد که شاه تهماسب در جایگاه رفیع‌تری است زیرا او خود را سلطان اعظم نامیده در حالیکه همایون به سادگی خود را پادشاه غازی می‌نامد.

جالب است که تهماسب در این جا دارای عنوان الخاقان است که در هیچ یک از سکه‌های او دیده نمی‌شود در حالی که معمولاً همایون در رقابت و تبعیت از خانواده‌های حکومتگر شیبانی، تیموری و مغولی در آسیای مرکزی از لقب «غازی» استفاده کرده است. سکه‌های همایون نشان می‌دهد که او عناوین السلطان والاعظم و الخاقان را در تسخیر کابل در اواخر سال ۹۵۲ هـ، استفاده کرده است. عناوینی که برای مثال در سکه‌های ضرب ۹۵۶ هـ، در قندهار ظاهر می‌شود.

در نتیجه سکه‌های مشترک همایون متعلق به دوره کوتاهی است که صرفاً به قندهار بسنده می‌شود.

حوادثی که به این جریان‌ها و متعاقباً به تسخیر مجدد قندهار می‌انجامد نیاز به بررسی کامل دارد. همایون در محرم ۹۵۲ هـ / مارس ۱۵۴۵ میلادی به شهر قندهار رسید و آنرا محاصره کرد. فرماندار منصوب کامران میرزا به نام عسکری میرزا ابتدا دلخوش به وعده کمک از کابل، از شهر دفاع می‌کرد. اما بعد از شش ماه در (۲۵ جمادی الثانی ۹۵۲-۳ هـ . سپتامبر ۱۵۴۵ م.) مجبور به تسلیم شد و تقاضای مصالحه کرد. همایون در این زمان با توجه به توافقش با شاه طهماسب شهر را به متحد ایرانی خود تحویل می‌داد. او خیمه‌های خود را بیرون قندهار در کنار رودخانه ارغنداب برپا کرد تا اینکه بوداق خان، فرماندار ایرانی راه کمک به خیمه‌های او را بست و او را مجبور نمود قلعه را بگیرد. با کنار کشیدن بسیاری از سربازان ایرانی و بازگشت آنها به ایران که مصادف با مرگ فرماندار جدید قندهار، شاهزاده مراد، پسر کوچک شاه طهماسب بود، راه برای تسخیر مجدد قلعه فراهم شد. این عمل با کمک گروه اندکی از ایرانی‌ها یک ماه بعد از محاصره اولیه اتفاق افتاد. حال همایون آزاد و آماده رفتن بسوی کابل بود و در رمضان ۹۵۲ هـ . / نوامبر ۱۵۴۵ م. شهر را محاصره کرد. جای تعجب دارد که روابط بین همایون و شاه طهماسب دوستانه باقی می‌ماند. در نهایت شاه طهماسب راضی می‌شود که سفیری را جهت تهنیت تسخیر کابل به نزد همایون اعزام کند اما قبل از مرگ همایون اقدام به تحویل قندهار نمی‌کند.

اینکه، ضرب سکه‌های مشترک یاد شده قبل یا بعد از تسخیر مجدد قلعه قندهار توسط همایون از دست ایرانی‌ها اتفاق افتاده است معلوم نیست. از



در سال ۱۹۷۸ م موزه بریتانیا سکه طلای کوچکی را به دست آورد که فاقد مشخصات محل ضرب تاریخ بود. در یک روی آن نام و عناوین شاه تهماسب و در روی دیگر نام و القاب همایون مشاهده می شود

بسیاری از ابهامات مربوط به این سکه (طلا) با کشف اخیر سکه نقره مشابهی - در موزه بریتانیا - برطرف شده است. در این سکه نام ضربخانه قندهار و آخرین عدد تاریخ به خوبی دیده می شود

عناوین هر یک از دو فرمانروا شکی باقی نمی گذارد که شاه تهماسب در جایگاه رفیع تری است زیرا او خود را سلطان اعظم نامیده در حالی که همایون به سادگی خود را پادشاه غازی می نامد



۱- آنجائی که قندهار خود قبلاً دارای ضربخانه بوده احتمال دارد که این سکه در زمان تسخیر قلعه توسط فرمانده ایرانی، بوداق خان به مبارکی بنام شاه ضرب شده باشد. اینکه او نام همایون را در چنین سکه‌ای آورده باشد بر اساس رفتار غیردوستانه متعاقب آن تردیدآمیز است. در مقابل همایون توجه مثبتی در تسکین شاه طهماسب دارد زیرا او هنوز کابل را از کامران پس نگرفته و هنوز به کمک بیشتر و بعدی ایرانی‌ها محتاج است. او نمی‌توانست نام شاه را در سکه‌های قندهار رد کند زیرا قبول کرده بود که شهر را به شاه واگذار کند. قبول مذهب تشیع او در سکه‌ها بر اساس نقشی است که او هنوز مجبور به پذیرش آن بود. اگرچه او هرگز یک شیعه مؤمن نبود و تعصبات دینی نداشت ولی دوستانی در بین شیعیان داشت و بنا بر گزارش بعضی از منابع زن او شیعه بوده است. در نتیجه ممکن است که همایون تا زمانی که خواسته‌هایش برآورده می‌شد، ضدیتی با تشیع از خود نشان نداده باشد. همچنین احتمال دارد که ما این سکه‌ها را به خود او نسبت دهیم و تاریخ آنها را به دوره بین تسخیر مجدد قلعه قندهار و تسخیر مجدد کابل نسبت دهیم، تا زمانی که او مجدداً مذهب سنت را پذیرفت.

۲- R. B. Whitehead کاتالوگ سکه‌های موزه پنجاب، لاهور، جلد ۲، شماره ۵۳ (نقره شاهرخی ضرب کابل سال ۹۲۵ هجری).

۳- دو سکه منتشر نشده موجود در موزه بریتانیا گویای عدد آخرین: ۶ (۹۵) است. P. L. Gupta کاتالوگ سکه‌هایی از امپراطوری مغول (در حال چاپ) شماره‌های ۱۰۲-۱۰۳.

۴- ریاض الاسلام، همان منبع (با ارجاع به منابعی که در این موضوع بدان اشاره شده است)

۵- طبقات اکبری، ص ۱۰۶-۱۰۷ و پانوش ۴، به تاریخ ۱۰ رمضان سال ۹۵۳ در متن (با ۹۵۲) به عنوان جایگزین) بنا به مدارک دیگر به وضوح اشتباه است. تقریباً درست بیش از ۲ ماه فاصله بین تسخیر قندهار از حاکم منصوب کامران و محاصره کابل وجود دارد.

۶- در نامه‌ای که احتمالاً بعد از سال ۹۵۲ ه. نوشته شده نشانه‌های وفاداری مستمر همایون به شاه طهماسب وجود دارد. این نامه از طرف شاه به همایون توسط قاضی جهان اعتمادالدوله نوشته شده است. (رجوع کنید به ریاض الاسلام تقویم اسناد روابط هند و ایران ۱۷۵۰-۱۵۰۰ میلادی) چاپ کراچی، ۱۹۷۹ م. ص ۸۲). این نامه بخوبی تعلق خاطر و صمیمیت امپراطور به خانواده صفوی را بازگو می‌کند که البته هیچ‌گاه مورد تردید نبوده است. ولی از طرف دیگر اظهار امیدواری شده است که امپراطور برخلاف تفاهم انجام شده کاری نکند.

تعلیقاتی که بر این کتاب نوشته شده قابل توجه است: ظاهراً نامه در جواب نامه‌ای از همایون است که در آن به مواردی که مورد سوءتفاهم دربار ایران بوده اشاره شده است. مواردی که باعث ناخشنودی شاه شده است... تاریخ یا زمان نوشتن نامه مورد بحث است. گمان می‌کنیم که همایون نامه‌ای در جواب برای دلاری به شاه طهماسب نوشته و انتظار داشته که ناخشنودی خود را از تصرف قندهار از فرماندار ایرانی بوداق خان در سپتامبر ۱۵۴۵ ه. ابراز دارد و قاضی جهان در جواب، این نامه تضمین‌کننده را به شاه طهماسب نوشته است.

۱- نکات تاریخی که در این مقاله آمده برگرفته از کتاب روابط هند و ایران، مطالعه‌ای در روابط دیپلماتیک و سیاسی بین امپراطوری مغول و ایران، بقلم ریاض الاسلام، چاپ لاهور، ۱۹۷۰، فصل سوم (همایون و شاه طهماسب)، ص ۲۲-۴۷ و ضمیمه C (ایمان آوردن همایون به مذهب تشیع) است؛ همچنین از کتاب طبقات اکبری ترجمه B. De. جلد سوم، کلکته ۱۹۳۶، ص ۱۰۰-۱۰۷ و مقاله دیگبی

پی نوشت‌ها:

*- نوشتار حاضر ترجمه مقاله‌ای است با مشخصات زیر:

Nicholas Lowick, "Joint Coinage of Humayun and Shah Tahmasp at Qandahar", Numismatic Digest, VI Bombay, ۱۹۸۲, pp. ۷۴-۷۸

۱- نکات تاریخی که در این مقاله آمده برگرفته از کتاب روابط هند و ایران، مطالعه‌ای در روابط دیپلماتیک و سیاسی بین امپراطوری مغول و ایران، بقلم ریاض الاسلام، چاپ لاهور، ۱۹۷۰، فصل سوم (همایون و شاه طهماسب)، ص ۲۲-۴۷ و ضمیمه C (ایمان آوردن همایون به مذهب تشیع) است؛ همچنین از کتاب طبقات اکبری ترجمه B. De. جلد سوم، کلکته ۱۹۳۶، ص ۱۰۰-۱۰۷ و مقاله دیگبی